

آفرین پیمان پهلوی یا پیمان کدخدایی

سعید عربان

«آفرین پیمان کدخدایی» نام متنی است که در شمار اسناد ازدواج بازمانده از دوران کهن ایران بویژه فرهنگ مزدایی قرار دارد. تا جایی که نگارنده اطلاع دارد در مجموع به جز متون کوتاه که نمی‌توان مسائل ازدواج را در آنها به دقت بررسی کرد، سه متن بلند بعنوان اسناد ازدواج نمونه، از فرهنگ مزدایی و کهن ایران در دست است که به شرح زیر عبارتند از:

نخست «درباره پیمان کدخدایی» تنها با تحریر پهلوی^۱، دیگر، نکاح از روش ایران تنها با تحریر پازند^۲ و سوم متن حاضر.

متن «آفرین پیمان پهلوی» یکی از مهمترین این سه متن است که از آن هم تحریر

۱- عربان، سعید ۱۳۷۱، ۱۱۷۳، 141 Jamasp Asana 1897,

2- Antia 1909, 170-174.

پازند و هم تحریر پهلوی در دست است.^۱ تحریر پازند آن، صفحات ۱۱۲ - ۱۱۵ از مجموعه «متون پازند» را که آنتیا آن را در سال ۱۹۰۹ در بمبئی منتشر نمود، بخود اختصاص داده است.

در سال ۱۹۶۳، دابار در «ترجمه زند خرده اوستا» ترجمه‌ای را نیز از این متن که بر پایه تحریر پهلوی صورت گرفته بود منتشر نمود.^۲

این متن که تحریر پازند آن مورد پژوهش قرار گرفته است از ابعاد گوناگونی چون ساختار و قباله‌های ازدواج، تمهیدات زوجین، اختیارات زوجین، مهریه یا میزان پولی که باید به زوجه داده می‌شد و نیز دعا‌های مربوطه دارای اهمیت است.

ترجمه فارسی آفرین پیمان پهلوی

یتاهوویریو < ۲ بار >. دهادتان دادار هرمزد فرزندان نر بیشتر، نییرگان، روزی فراخ و دوستی دل، رواتن از چهرروا (= تنی با چهره‌ای زیبا)، دیرزیوشی و پایندگی < برابر با > صد و پنجاه سال. به روز فلان، ماه فلان، سال هفت صد و شصت و هفت^۱ از < سلطنت > شاهانشاه یزدگرد، شهریار ساسان تخمه (= ساسانی)، به شهرستان (= سرزمین) خجسته ایران، اندر فلان شهر، انجمنی بر پا شد. بنابر داد (= قانون) < و > آیین دین مزدیسنی، آیا کدخدایی < و > دختر < به زنی > دادن این دختر^۲ نامور به فلانی را به پیمان دو هزار درم سیم سپید ویژه و دو دینار زر سرخ سره (= رایج) نیشابوری می‌پذیرید^۳؟ و نیز بودنتان با دودمان خود، با رایزنی < و > همداستانی، با راست منشی، با سه گویش (= پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک)، و با افزایش کرفته خویش؟ آیا

۱- برای متن پهلوی نک. عقیقی، رحیم، ۱۳۷۴، اساطیر و فرهنگ ایران در نوشته‌های پهلوی، تهران، ص ۳۸۱.

می پذیرید که در طول زندگی، با راست منشی این پیمان را ببندید؟ هر دوی شما را رامش افزون باد. <این را> سه بار باید گفتن.

به نام <و> یاری هر مزد؛ همیشه فرهمند باشید؛ فرخنده فال باشید؛ رو به رشد باشید؛ پیروزمند باشید؛ تعلیم دهنده راستی باشید؛ سزاوار تحسین باشید؛ در منش با پندار نیک بیندیشید، در گفتار با گفتار نیک سخن بگویید، در کنش با کردار نیک رفتار کنید؛ هر گونه پندار بد از میان برود، هر گونه گفتار بد رو به کاهش گذارد، هر گونه کردار بد به سوزد، راستی ستاییده شود؛ جادویی نگون شود؛ <دین> مزدیسنی خوانده شود؛ ^۱یا کامل اندیشی کار ورز (= انجام بده)، از فرارونی (= نیکی) خواسته (= ثروت) اندوز، نسبت به فرمانروایان یگانه، راست سخن <و> فرمانبردار باش؛ نسبت به یاران فروتن، مؤدب <و> نیک چشم باش؛ غیبت مکن؛ خشمگینی مکن؛ برای ننگ گناه مکن؛ آزکامگی مکن؛ رنج مبر؛ رشک بیهوده مبر؛ خودستایی مکن؛ تنفر موزز؛ شهوت موزز؛ خواسته کسان مبر؛ از زن کسان پرهیز؛ از سخت کوشی خویش روزی خوار^۲ باش؛ یزدان و بهان را بهره ور کن؛ با کین ور مرد نبرد مکن؛ با آزر انباز مباح؛ با سپزگ (= مفتری) همراه مباح؛ با بدنام پیوند مکن؛ با دش آگاه (= نادان) همکار مباح؛ با دشمنان، به عدالت بستیز؛ با دوستان بنا بر پسند دوستان رو؛ با گمراه پیکار مکن؛ پیش انجمن بوخت نگفتار (= راست گفتار) باش؛ پیش پادشایان پیمان سخن (= میانه رو در گفتار) باش؛ از پندار نامبردار باش؛ به هیچ صورت مام (= مادر) میازار؛ خویشان را به راستگویی رستگار ساز؛ چونان کیخسرو نامیراتن باشید؛ چونان کاوس آگاه^۳ باشید؛ چونان خورشید ^۴در خشان باشید؛ چونان ماه بخشنده^۴ باشید؛ چونان زردشت نامدار باشید؛ چونان رستم ^۵دور آور باشید؛ چونان زمین سپندارمذ حاصلخیز^۶ باشید؛ چونان تن و جان با دوستان و برادران و زن و فرزندان نیک دوستدار باشید^۷؛ همیشه بهدین <و> نیک طبع باشید؛ هر مزد را به خدایی شناسید^۸؛ زردشت را به ردی (= سروری) ستایید^۸؛ اهریمن دیو ^۹نابود شود.

هر مزد دهش دهد <ونیز> ژرف اندیشی^۹ بهمین راه، خوب گفتاری اردیبهشت راه،

خوب کرداری شهریور را، کامل اندیشی سپندارمذ را، شیرینی و وقار خرداد را،
 برومندی امرداد را، دادار هرمزد دهش <دهاد و نیز> درخشش روبه فزونی آذر را،
 پادیابی (= طهارت) اردویسورا، سر فرازی^{۱۱} شاهانه خورشید را؛ گوزهر بالنده ماه را؛
 روایی رادی تیر را، پرهیزگاری^{۱۱} <از گناه> گوش را. دادار هرمزد دهش <دهاد و نیز>
 داد (= قانون) انوشه (= جاودان) مهر را؛ فرمان پناهی (= محافظت و انجام فرمانها)
 سروش را؛ راست روشی رشن را؛ رویش^{۱۲} نیروی فروردین را؛ دستیابی^{۱۳} به پیروزی
 بهرام را؛ رامش استوار رام را؛ توانایی ارونند^{۱۴} باد را. دادار هرمزد دهش <دهاد و نیز>
 دانش افروزی دین را؛ فره ابدوزی ارششونگ را؛ هنراندوزی اشتاد را؛ بسیار کوشایی
 آسمان را؛ گاه پایندگی (= ماندگاری مقام) زمیاد را؛ خوب نگرشی مهر سپند را؛ فره تن^{۱۵}
 ایران را.

متن پازند

سپندارمذ را، شهریور را، کامل اندیشی سپندارمذ را، شیرینی و وقار خرداد را،
 برومندی امرداد را، دادار هرمزد دهش <دهاد و نیز> درخشش روبه فزونی آذر را،
 پادیابی (= طهارت) اردویسورا، سر فرازی^{۱۱} شاهانه خورشید را؛ گوزهر بالنده ماه را؛
 روایی رادی تیر را، پرهیزگاری^{۱۱} <از گناه> گوش را. دادار هرمزد دهش <دهاد و نیز>
 داد (= قانون) انوشه (= جاودان) مهر را؛ فرمان پناهی (= محافظت و انجام فرمانها)
 سروش را؛ راست روشی رشن را؛ رویش^{۱۲} نیروی فروردین را؛ دستیابی^{۱۳} به پیروزی
 بهرام را؛ رامش استوار رام را؛ توانایی ارونند^{۱۴} باد را. دادار هرمزد دهش <دهاد و نیز>
 دانش افروزی دین را؛ فره ابدوزی ارششونگ را؛ هنراندوزی اشتاد را؛ بسیار کوشایی
 آسمان را؛ گاه پایندگی (= ماندگاری مقام) زمیاد را؛ خوب نگرشی مهر سپند را؛ فره تن^{۱۵}
 ایران را.

یادداشت‌ها

- ۱- این تاریخ در تحریر پازند متن برابر با «یکهزار و دوست و هفتاد و هفت» آمده است که بی‌گمان نمی‌تواند تاریخ سند مربوطه باشد. در متن پهلوی «درباره پیمان کدخدایی» 141 (Jamasp - asana 1897؛ عربان ۱۳۷۱، ۱۷۳) تاریخ تنظیم سند برابر است با سال ۶۲۷ یزدگردی که برابری می‌کند با سال ۱۲۷۸ میلادی. از سوی دیگر، دابار در ترجمه متن فوق تاریخ سند را بر پایه متن پهلوی، برابر با ۷۶۷ یزدگردی آورده است (Dhabhar 1963, 400)، که برابر می‌شود با سال ۱۴۱۸ میلادی. همانگونه که ملاحظه می‌شود، به هیچ صورت نمی‌توان تاریخ ۱۲۷۷ یزدگردی را که با ۱۹۲۸ میلادی برابر می‌شود، در این متن توجیه نمود. بنظر نگارنده، احتمالاً کاتب سند، هنگام تحریر متن پازند، سال میلادی متن پهلوی «درباره پیمان کدخدایی» مورد اشاره در بالا را از روی اشتباه به جای تاریخ این سند درج نموده است.
- ۲- اگر قبلاً ازدواج کرده باشد، بجای عبارت «این دختر» عبارت «این زن» بکار می‌رود.
- ۳- این رقم در تحریر پهلوی متن و نیز بر پایه آن در ترجمه دابار (Dhabhar 1963, 401) برابر با ۲۰۰۰ دینار زر نیشابوری (= رایج) آمده است، در حالیکه در متن پهلوی پیمان کدخدایی (عربان ۱۳۷۱، ۱۷۴، ۱۷۳، ۱۷۴) (Jamasp - Asana 1897, 142) نیز روی سیم بودن وجه تصریح دارد. گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۴- در متن پازند: ... خویش کار باش؛ در متن پهلوی: ... خویش خوار باش.
- ۵- در متن پازند «آگاه‌مند» آمده است در حالیکه پسوند «-مند» چون خود صفت ساز است، بنابر قاعدهٔ پس از صفت نمی‌آید. از این رو در ترجمه فارسی به «آگاه» تصحیح شد.
- ۶- در متن پازند بصورت: بوختار buxtār و در تحریر پهلوی bxtār = bht'ī آمده است که صورت پهلوی درست‌تر به نظر می‌رسد.
- ۷- در متن پازند «bar - dāran = دارای بر»، و در تحریر پهلوی «bar - dahagān = bldhk'n»
- بردهنده» آمده است که البته هر دو صورت دارای حالت جمع و یک معنی هستند.
- ۸- این فعل هم در تحریر پازند و هم در تحریر پهلوی با وجه دعایی - آمده که در ترجمه

فارسی به قیاس با عبارت‌های پیشین به دوم شخص جمع اصلاح شد.

۹- این واژه در تحریر پازند بصورت *manašni manīdī* و در تحریر پهلوی بصورت *mynšhy* آمده است که هیچ یک از دو صورت نمی‌توانند صورت درست باشند. صورت درست این واژه مرکب در متون پهلوی برابر است با *minišn minīdārih =* *mynšn mynyd^llyh*.

۱۰- این واژه در متن پهلوی می‌تواند هم بصورت *šhyk* به معنی «شاهی یا شاهانه» باشد و هم می‌تواند به شکل *shyk* به معنی، در خور و شایسته باشد (dhabar 1963,407).

۱۱- این واژه در تحریر پازند بصورت *parahēxtār* و در تحریر پهلوی بصورت *p^hlyht^l* آمده که با توجه به بافت جمله درست نیست؛ زیرا در عبارت مربوطه باید اشتقاق اسمی واژه بصورت *P^hlyht^llyh* به معنی پرهیزگاری به کار رود و نه اشتقاق صفتی آن. ۱۲- این واژه در تحریر پازند بصورت *rawišni* و در تحریر پهلوی بصورت *lwšnyk* آمده است که هر دو صورت اشتباه بنظر می‌رسد. صورت درست واژه در این بافت *lwdšn* به معنی «رویش، رشد» است.

۱۳- واژه در تحریر پازند بصورت *andātār* و در تحریر پهلوی بصورت *hnd^hht^l* آمده که صورت پازند بنابر بافت عبارت و صورت دوم هم بنابر بافت عبارت و هم بنابر املاء واژه اشتباه است. صورت درست واژه باید *hnd^hht^llyh* باشد.

۱۴- در تحریر پازند به اشتباه: *guāt*.

۱۵- واژه در تحریر پازند بصورت *frahē tan* و در تحریر پهلوی بصورت *pltn^h* آمده است.

منابع و ماخذ

- 1- Antia, Ervad Edalji kersaspji. 1909, paĖzend Texts, Bombay.
- 2- Dhabhar, Ervad Bamanji Nusserwanji, 1963, Translation of zand - i Khurtak Avistak, Bombay.
- 3- Sethna, T.R 1975, khordeh Avesta, Karachi.
- 4- Mackenzie D.N. 1971, A Coincise pahlavi Dictionary, London.
- ۵ - پورداود، ایرانشاه.
- ۶ - پورداود، ۱۳۱۰، خرده اوستا، بمبئی.
- ۷ - کامرون، جرج. ۱۳۶۵، ایران در سپیده دم تاریخ، ترجمه حسن انوشه، تهران.
- ۸ - کریستن سن، آرتور. ۱۳۵۱، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران.
- ۹ - کریستن سن، آرتور. ۱۳۷۴، وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانیان، ترجمه مجتبی مینوی، تهران.
- ۱۰ - مینوی، مجتبی. ۱۳۵۴، نامه تنسر، تهران.
- ۱۱ - عریان، سعید ۱۳۷۱، متون پهلوی، تهران.
- 12- Jamasp - Asana, JamaspJi Dastur Minocheherji, 1897, pahlavi Texts, Bombay.